

### عنوان تجربه:



### چکیده

در این تجربه‌ی تربیتی سعی شده است از روش‌های تربیتی و بخصوص تربیت دینی استفاده شود و مراحل تربیتی به صورتی که تاثیر مثبتی بر رفتار فرد مورد نظر بگذارد، انجام شود تا نتیجه‌ی لازم بدست آید. چرا که معلمان و مربیان در نظام آموزش و پژوهش نقش تاثیر گذاری روی شخصیت دانش آموزان در آینده دارند. فردا از آن مانیست. فردا متعلق به آیندگان است، اما می‌توان در این فردا و آینده نقش داشت. فردا همین امروزیست که دیروز منظر آمدنش بودیم، پس تا امروز و حال را در اختیار داریم، باید فعال و مؤثر در فردا مشارکت جوییم و آینده را با تدبیر و تعقل رقم زنیم. طرق مشارکت در فردا و آینده، گوناگون و متنوع است و تعلیم و تربیت، بهترین و عمیق‌ترین راههای ایفای نقش و رسالت است و در این میان، معلمان و مربیان، واجد برترین شرایط و دارای بیشترین نقش و اثر می‌باشند.

واژگان کلیدی: معلّم، مدرسه، دانش آموز، محبت، نماز

## - مقدمه

دستگاه آموزش و پرورش در هر کشوری جزو دستگاههای توسعه آفرین و تسهیل کننده‌ی مسیر تحول می‌باشد. در واقع بنیادی ترین مجموعه در بین عناصر یک نظام را دستگاه تعلیم و تربیتی آن کشور تشکیل می‌دهد. در بین عناصر و مولفه‌های تاثیرگذار آموزشی و پرورشی در نظام‌های مختلف. معلمان و مربیان برجسته ترین و ذی نفوذ ترین عناصر می‌باشند و این خصیصه نیز به تعاملات و کارکرد های پیدا و پنهان منابع انسانی دستگاه‌های تعلیم و تربیتی وابسته است.

سؤال این است که معلمان از چه قدرت و نقش‌هایی در تربیت و شکل دهنده شخصیت دانش آموزان مدد می‌جویند؟ برای معلمان و مربیان قدرت‌های چهارگانه را عنوان داشته‌اند و هر یک از این قدرت‌ها به تنها ی و یا ترکیبی از آنها حالات و درجات متفاوتی از تربیت را رقم می‌زند. این قدرت‌ها عبارتند از:

**الف- قدرت علمی- تخصصی ب- قدرت شخصیتی ج- قدرت حقوقی د- قدرت اجتماعی**

چنانچه معلمان از قدرت‌های چهارگانه بهره‌ی کافی داشته باشند و موقعیت‌های یادگیری و الگو پذیری را به گونه‌ی شایسته تدارک نمایند، این امید می‌رود که با توجه و عنایت دانش آموزان، بسترها لازم فراهم آید.

## - طرح مسئله

اگر بحث تربیت دینی بر این مبنای باشد که دین به مفهوم جوهر زندگی تلقی شود، آنگاه لزوم آگاهی نسبت به اهمیت، ضرورت، فواید و نسبت دین با دیگر حوزه‌های معرفتی مشخص خواهد شد. در دنیای کنونی توسعه و ایجاد مدارس به مفهوم امروزی، گسترش سریع فناوری و ارتباطات، صنعتی شدن جوامع و نیازهای متنوع عصر انفعاً دانش، دایره تأثیرگذاری عوامل مختلف را بر افکار و اندیشه‌های دانش آموزان گستردۀ تر از گذشته کرده است. بنابراین سهم خانواده‌ها و حتی معلمان در تکوین شخصیت دانش آموزان، روز به روز کمرنگ تر می‌شود. البته نباید از نظر دور داشت که عوامل محیطی بویژه رسانه‌ها نقش عمده‌ای را بر عهده دارند و به صورت شبانه روزی در تغییر اندیشه‌ها و افکار نقش تأثیرگذار و مهم خود را ایفا می‌کنند. آنچه مسلم است این که هنوز مدارس ما به عنوان اصلی ترین کانون‌های تربیتی مورد توجه و برنامه‌ریزی دقیق و صریح قرار نگرفته‌اند. اگر نظام آموزش و پرورش ما بخواهد از مسیر آموزش‌های صرف به سمت تربیت دینی، اخلاقی و اجتماعی حرکت کند، لازم است بسیاری از اهداف و روش‌ها را تغییر دهد. در محیط‌های آموزشی باید به دانش آموز به تناسب علاقه و استعدادش آموزش داده شود. بحث محوریت کتاب حذف شود و به جای تکیه بر محفوظات، روش کسب اطلاعات و یادگیری خلاق، محور کار باشد. ساختار و تشکیلات به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر متولیان امور

پرورشی در مدارس، بحث تلفیق آموزش و پرورش و مشارکت همه عوامل دست اندکار در تربیت دینی به دست فراموشی سپرده نشود. در غیر این صورت اگر شرایط مذکور در مدارس ما حاکم نباشد، به هدف مطلوب در تربیت دینی دانش آموزان دست نخواهیم یافت.

### - روش کار

بدیهی است که شکوفایی یک رویکرد جدید در مدرسه، مستلزم اندکی تمرین و برداشتن از آنجایی که راهبردهای آموزشی اثر بخش بر یافته های علمی و تجربه های عملی و مکتب رفتارگرایی و شناختی متکی هستند، می توان از آن به عنوان رویکردی مناسب و اطمینان بخش در آموزش مفاهیم استفاده کرد. چه بسا، بسیاری از ما در مدرسه همیشه به دنبال راهی نو برای تغییر روش های خود هستیم. اما آیا هیچ وقت سعی کرده ایم این تغییر را در خودمان ایجاد کنیم و آن را در جهت بهبود وضعیت مدرسه استفاده کنیم؟

اما از آنجا که وضعیت دانش آموزان در مدرسه طوری بود که متأسفانه مشکلات اخلاقی و مذهبی در تعدادی از دانش آموزان دیده می شد و من همه روزه از دیدن عدم توجه دقیق به مسائل دینی در دانش آموزان، مشکلات اخلاقی ایشان، عدم رعایت مسائل مذهبی، عدم استقبال از نماز جماعت، بی توجهی به مراسم مذهبی و ... رنج می بدم و نیز به واسطه سِمتَم در این آموزشگاه - که فضای بازی برای گفتگو ایجاد می نماید - زمانی که با دانش آموزان به بحث می پرداختم، مشاهده می کردم که همه آنان بالاتفاق با قضیه دین و ضرورت رعایت مسائل شرعی موافقند اما حقیقتاً در عمل مشاهده می کردم که رفتارشان خلاف گفتارشان را نشان می دهد و همین امر مرا بر آن داشت تا مسئله تربیت دانش آموزان و بخصوص اصلاح تربیت ناقص دینی آنها را از اقامه نماز جماعت در آموزشگاه شروع نمایم.

### - گزارش تجربه

در یکی از سال های آغازین خدمتم در آموزش و پرورش، به عنوان دبیر دروس دینی و پرورشی یکی از آموزشگاههای راهنمایی (که مختلط و ضمیمه یکی از مدارس ابتدایی در یکی از روستاهای محروم شهرستان بود)، به عنوان دبیر معارف اسلامی در حال انجام وظیفه بودم. در اولین روزهای ورود به مدرسه و قبل از پخش اذان ظهر که زنگ تفریح نیز زده شده بود، وارد دفتر مدرسه شدم و پس از گفتگوی میان همکاران، من که از همه ساكت تر و آرام تر به نظر می رسیدم، یکباره مدیر مدرسه با نگاهی لبخند آمیز به من گفت که: شما به عنوان دبیر دینی و پرورشی آموزشگاه باید از ما بیشتر سخن بگویی و در واقع فعال تر باشی ولی مطمئن باش که از این به بعد دیگه نوبت صحبت و فعالیت شماست و از همه مهمتر اینکه آماده باشی که از این پس

مجری اقامه نماز آموزشگاه هم شما هستی و بس. من هم به خاطر احترام به همکاران و نیز اولین سال حضورم در آن آموزشگاه در حالی که در میان جمع صمیمی آنها احساس غریبی می کردم ، چیزی نگفتم و به ذکر واژه " چشم " بسنده کردم.

بالاخره چند هفته ای از شروع فعالیت من در آنجا سپری شد تا اینکه تا حدودی با اخلاق و روحیه دانش آموزان آشنا شدم. بالآخره با گذشت بیش از چهار هفته و تشکیل نماز جماعت در نماز خانه آموزشگاه به همراه ۳۵ نفر از دانش آموزان ابتدایی و راهنمایی، من که مسئولیت امام جماعت آموزشگاه را بر عهده داشتم، از دانش آموزان حاضر در صفوف نماز خواستم تا یک نفر به عنوان موذن و یک نفر هم به عنوان مکبر، اقامه نماز جماعت آموزشگاه را همراهی کنند که پس از چندین مرتبه درخواست از دانش آموزان جهت بر عهده گرفتن این مسئولیت ها، نهایتاً کسی پاسخ مثبتی به اینجانب نداد تا اینکه مجبور شدم از بین دانش آموزان حاضر در صفوف نماز افرادی را جهت انجام این مسئولیت ها انتخاب نمایم که باز هم چون هیچ کس از دانش آموزان حاضر در صفوف نماز، داوطلب پذیرش این کار نشدند، لذا خودم را به حیاط آموزشگاه رساندم و از بین دانش آموزان در حیاط آموزشگاه یکی از دانش آموزان بازیگوش را که سرو صدای زیادی هم راه انداخته بود و از درس و مدرسه و بویژه شرکت در نماز جماعت، گریزان و فراری بود، او را صدازدم. همین که او نزد من آمد، با صدای بلند گفت: "آقا می خواهید توپ را به من بدھید که با آن بازی کنم و دیگه سرو صدا نکنم و از شر من راحت شوید؟ به آرامی به او گفتم: بیا توی نمازخانه، به شما کار دارم و او نیز ترسید که مبادا بخواهم او را تنبیه کنم. نهایتاً او با ترس و دلهره زیاد به داخل نماز خانه آمد. به آرامی دستش را گرفتم و او را به جلو صفوف نماز آوردم و به او گفتم: "من به شما کاری ندارم به شرط اینکه همین الان جهت اقامه نماز ظهر و عصر اذان بگویی" و آن وقت بود که با شنیدن این سخن من، ترس و دلهره و اضطرابی شدید دست و پایش را فرا گرفت و بچه های حاضر در صفوف نماز نیز از اینکه او بتواند چنین کاری را درست انجام دهد، به خنده افتادند. اما پس از چندین بار درخواست جدی من از او جهت گفتن اذان ، بالآخره با دلهره بسیار و لرزش و گرفتگی صدا، برای اولین بار اذان را به صورت نامنظم گفت، امّا چون من آنجا به صورت جدی ایستاده بودم، دیگر کسی نخندهد و بعد از اذان گفتن وی، من آن دانش آموز را در حضور دانش آموزان حاضر در نماز جماعت آن روز، بسیار تشویق کردم و بچه ها نیز همگی برای سلامتی و موفقیت او صلوات فرستادند و از آن زمان به بعد بود که آن دانش آموز علاقه بسیار شدیدی به گفتن اذان و مکبر

بودن از خود نشان داد، به طوری که بیشتر ایام هفته را وی موذن و مکّر افتخاری در هنگام اقامه جماعت آموزشگاه بود.

لذا این اقدام و برخورد بجا و مناسب با دانش آموز فوق، هم باعث علاقه و استقبال بیشتر دیگر دانش آموزان به شرکت گسترده در نماز جماعت و نیز تقاضای موذن و مکّر شدن افتخاری آنها گردید و به ویژه اینکه این رفتار شایسته و بموضع، علاوه بر شرکت فعال و مستمر وی در جهت اجرای مراسم معنوی اقامه نماز جماعت در آموزشگاه، در طول سال نیز باعث شرکت او و سایر دانش آموزان در مسابقات فرهنگی و هنری همان سال در سطح آموزشگاه و انتخاب وی و عده دیگری از دانش آموزان در مسابقات سطح شهرستان و بالاخص کسب مقام اول اذان در مسابقات مرحله دوم شهرستان گردید.

آری، این دانش آموز همان دانش آموزی بود که در ابتدای سال تحصیلی، دانش آموزی بازیگوش، فراری از محیط درس و کلاس و مدرسه و بویژه نماز خواندن بود که با درک صحیح مسئله و با در نظر گرفتن ابعاد مختلف کار و بکارگیری شیوه مناسب تربیتی سرانجام وی به دانش آموزی موفق و الگو برای سایر دانش آموزان مدرسه تبدیل شد، به طوری که این اقدام تربیتی درست، مشوقی بزرگ برای بنده بمنظور ادامه، جدیت و امیدواری بیشتر در بکارگیری روش‌های مختلف تربیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی گردید و از سویی دیگر برای کلیه همکاران آموزشگاه، دیگر دانش آموزان و بخصوص دانش آموز مذکور و خانواده اش مایه مباهات و افتخار گردید. از خدای خود خواستم تا توفیق بیشتر در راستای خدمت خالصانه به آینده سازان این مرز و بوم و آشنایی هر چه بهتر و بیشتر آنان با آموزه‌های ناب و اصیل دین مبین اسلام را به این حقیر و سایر سنتگردان حوزه بزرگ و مقدس تعلیم و تربیت عنایت فرماید تا بتوانیم آینده ای روشن و شکوفا برای دانش آموزان میهن عزیzman، ایران اسلامی رقم بزنیم.

## - جمع بندی و نتیجه گیری

هدف از تربیت دینی، حضور قرآن و سیره مصصومین(ع) در متن زندگی دانش آموزان است. ما با تعلیم مسائل دینی و با روش های مطلوب و خاص می توانیم در دانش آموزان درک و شعور دینی ایجاد کنیم. اگر تلاش همه ما بر این باشد که از طریق روح حاکم بر تمامی برنامه های رسمی و غیررسمی (فوق برنامه و مکمل) تربیت، تزکیه و تأدیب صورت گیرد و مفاهیم نظری به صورت «رفتار دینی» درآید، می توانیم ادعا کنیم که تربیت دینی تا حد زیادی تحقق پیدا کرده است. آنچه با توجه به مقتضیات زمان در تربیت دینی باید مدنظر قرار گیرد، اصلاحات در روش های تربیت دینی است. مدیریت مراکز آموزش و پرورش مابا توجه به تفاوت های فردی در دانش آموزان، اصل زیبایی شناسی و ابزار هنر را بویژه در غنی سازی، اوقات فراغت و فوق برنامه باید لحاظ کنند. وحدت نداشتن در بینش و منش و همچنین وحدت نداشتن در هدف و خط مشی، از عوامل مهم آسیب شناسی تربیت دینی در جامعه ما به شمار می آید. فضا و تربیت دینی بین مراکز متولی تربیت دینی مثل رسانه ها، نهادهای فرهنگی و هنری در جامعه موجب تضاد تربیت و سرگردانی نسل جوان ما در جامعه شده است. اگر یکپارچگی به مفهوم واقعی کلمه در ساختار و تشکیلات، با رویکرد تلفیق فعالیت های آموزش و پرورش شکل منسجم خود را پیدا نکند، قطعاً آسیب پذیری نسل جوان ما در آینده بیشتر از گذشته خواهد بود. در همین مسیر باید به جاذبه های دینی با توجه به استعداد جامعه و جایگاه دین در عرصه بین المللی و بحث جهانی شدن، توجهی دقیق و زیرکانه داشت.

لذا در این قسمت لازم می دانم به ذکر برخی از نتایج این تجربه تربیتی به شرح ذیل اشاره نمایم:

- ۱- برقراری ارتباط صمیمانه با دانش آموزان و جلب اعتماد ایشان در حل مسائل.
- ۲- ایجاد رفتارهای مثبت در دانش آموزان در محیط مدرسه.
- ۳- بروز دادن رفتارهای مثبت توسط دانش آموزان در محیط بیرون از مدرسه و خانواده.
- ۴- توجه ویژه به خواندن قرآن و نماز به خصوص نماز جماعت توسط دانش آموزان.
- ۵- علاقه به خواندن کتاب و استفاده از کتاب های مفید و آموزنده و تاثیر متقابل آن در رفتارهای دانش آموزان.
- ۶- کسب رتبه در مسابقات فرهنگی، هنری و برگزاری اعیاد و مراسمات مذهبی در محیط آموزشگاه توسط دانش آموزان.
- ۷- حضور مستمر والدین در محیط آموزشگاه و توجه بیش آنها به مسائل درسی و تربیتی فرزندانشان.
- ۸- برقراری نظم در کلاسها درس و محیط آموزشگاه.
- ۹- افزایش سطح نمرات درسی دانش آموزان در امتحانات مستمر و پایانی.

## - پیشنهادها

در پرورش و شکوفایی استعدادهای انسان، عوامل متعددی دخالت دارند، مانند والدین، مربیان و معلمان، برنامه‌های آموزشی و تربیتی و روش‌ها و الگوها. الگو و نمونه که در تعییر تربیت دینی ما و در قرآن کریم از آن به نام اسوه یاد شده است، تاثیر بسزایی در ساختار و شکل گیری شخصیت افراد و رشد و شکوفایی توانایی‌های بالقوه آنها دارد. همان گونه که هنرمند برای طرح و خلق اثر هنری به الگو و نمونه مشخصی نیاز دارد. انسان نیز برای شکل دادن به شخصیت خویش، به الگو احتیاج دارد تا ساختمان اخلاقی، فکری و شخصیتی خویش را مطابق آن بسازد. البته نیاز به اسوه و الگو همگانی است، ولی بین دانش آموزان این نیاز بیشتر و مهم‌تر است، چون آنها بیشتر از دیگران به الگوهای اندیشند و به کمال و ترقی، بیشتر علاقمند هستند. البته تعابیر زیبای قرآنی نیز تصریح بر این دارد که انسان برای کمال خویش باید سراغ «اسوه و نمونه‌های برتر» برود.

در این قسمت به ذکر برخی از راه حل‌های پیشنهادی در رابطه با تربیت دینی دانش آموزان اشاره می‌شود:

۱. شرکت در شورای دبیران مدرسه و طرح این موضوع و مشورت با همکاران
۲. تهیه و ارائه‌ی پرسشنامه به دانش آموزان
۳. مشورت با افراد متخصص در این زمینه
۴. بررسی راهکارهای ارائه شده و انتخاب بهترین راهکار
۵. مطالعه کتب، مجلات، پایان نامه‌های مرتبط با موضوع
۶. سرکشی به سایتهاي مختلف و مرتبط با موضوع
۷. مشاهده رفتار دانش آموزان
۸. برگزاری جلسات هم‌اندیشی.